مرگ مغزي چيست ؟

به طور ساده مي توان گفت مغز از چند قسمت تشكيل شده است . ازجمله :

1. كورتكس مغز

كورتكس ، بزرگترين قسمت تشكيل دهنده مغز است . كورتكس از دو نيمكره چپ وراست تشكيل شده است . اين نيمكره هامسئول يكسري فعاليتهاي اختصاصي هستند . از جمله ، نيمكره چپ مسئول اصلي تكلم فرد است ودر انجام فعاليتهاي فكري – منطقـــي و محاسبه اي ، نسبت به نيمكره راست غالب است . در صورتي كه نيمكره راست ، در درك فضائي اشياء –عواطف و تفكر غير محاسبه اي نقش بيشتري را ايفـا مي كند .

1. ساقه مغز

عبارتند از : مغز مياني ، پل و بصل النخاع .

انجام بسياري از اعمال خاص كنترلي بدن از جمله موارد ذيل بر عهده ساقه مغز است : كنترل تنفس ، كنترل دستگاه قلبي عروقي ، كنترل تعادل و كنترل حركات چشم .

ساقه مغز همچنين به عنوان ايستگاهي براي پيامهاي دستوري مراكز كورتكس مغز عمل مي كند . اين پيامها كه براي هدايت اعمال خاص كنترلي در سراسر بدن ارسال مي شوند به ايستگاه ساقه مغز منتقل شده واز انجا به سراسر بدن گسيل داده مي شوند.

مرگ مغزي

در صورتي كه بيمار دچار آسيب غير قابل برگشت به مغز و همزمان ساقه مغز شود در اصطلاح پزشكي گفته ميشود كه بيمار دچار مرگ مغزي شده است .

اين بيمار در واقع شخصي است كه به علت آسيب گسترده به مغز ، هرگز قادر به ايجاد ارتباط با محيط پيرامونش نيست .هرگز نمي تواند صبحت كند ، حس كند ، حركتي انجام دهند ، بيبيند ، چشم هايش را باز كند و يا حركت دهد ودر نهايت نفس بكشد . اين بيماري عليرغم آنكه ضربان قلب دارد، وقتي امواج مغزي وي را ثبت مي كنيم ، هيچ موج قابل تثبتي به دست نمي آيد . در سال هاي اخير ، با توجه به پيشرفتهاي حاصله ، به طور موقت به وسيله دستگاه تنفس مصنوعي ، مي توان براي وي تنفس ايجاد كرد، ولي بمحض قطع از دستگاه ، تنفس بيمار نيز قطع شده وقلب وي نيز از كار مي افتد.

از اين رو در علم پزشكي به بيمار مرگ مغزي مرده اطلاق مي شود . توجه كنيد وقتي اثبات شود بيماري دچار مرگ مغزي شده است ، به معني اين است كه بيمار هرگز زنده نخواهد شد.

اهميت تشخيص مرگ مغزي در چيست ؟

از سال 1950 ميلادي ، وقتي كه پزشكان مغز واعصاب متوجه غير قابل برگشت بودن بيماران مبتلا به مرگ مغزي شدند ، مباحث مهمي در عرصه اخلاق پزشكي به وجود آمد . مهمترين جايگاه اين مباحث وجود بيماراني بود كه عليرغم آسيب منتشر به مغز و عليرغم برگشت ناپذير بودن وضعيت مغزي آن ها ، ارگان هاي بدن آن ها ( به استثناي مغز) كامل قابل استفاده بود. .يعني پزشكان با بيماراني روبرو شدند كه مغز نداشتند ولي در عين حال قلب ، كليه ، كبد ، پوست ، استخوان و....... داشتند . اهذا پزشكان به اهميت تشخيص مرگ مغزي و استفاده حياتي از ارگانهاي حياتي بيمار مبتلا به مرگ مغزي پي بردند ،به طوري كه با استفاده از اعضا يك بيمار مبتلا به مرگ مغزي ،مي شود حيات را به چند بيمار ديگر اهدا نمود.

از اين رو در سال 1970 ميلادي در امريكا قانون استفاده ازاعضا ء بدن بيمار مرگ مغزي تصويب شد . در اين خصوص كميته هاي تشخيص مرگ مغزي تشكيل شد . با آموزش همگاني در زمينه مرگ مغزي و ترغيب آن ها به عضو شدن و گرفتن كارت اهدا عضو در صورت مبتلا شدن مرگ مغزي ، در سراسر جهان اقدامات زيادي انجام گرفته بطوريكه هر سال آمار استفاده از اعضا ء بيماران مرگ مغزي در كشورهاي توسعه يافته و يا درحال توسعه درحال افزايش است.

مرگ مغزي و استفاده از اعضاي بيمار از ديدگاه اسلام

دين مبين اسلام ، اهميت فوق العاده اي براي نجات جان انسانها قائل است تا انجا كه به فرموده قران كريـم ، (سوره مائده )هر گاه كسي باعث بقاي نفسي شود، مانند آن است كه باعث نجات جان تمام انسان ها شده است و ثواب چنين كاري براي اوست . مرحوم علامه طباطبائي در ذيل آية فوق مي فرمايند هركه يكي را زنده نگه دارد چنان است كه همه مردم را زنده داشته است و اين موضوع دريچه اي را به روي مساله پيوند اعضاي انسان مي گشايد

دو اصل مهم اسلامي وجود دارد كه بسيار راه گشاست:

1. اصل اهم و مهم . اين اصل به ما ميگويد هنگامي كه ميان دو هدف مختلف اسلامي و انساني تعارضي واقع شود ، بايد مهم تر را برگزينيد و غير مهم را فداي مهم تر كنيد.
2. حفظ حرمت مرده مسلمان واجب و مهم است و حفظ جان مسلمانان واجب مهم تر.

امام خميني (ره) ضمن تاكيد بر حرمت قطع اعضاي جسد مسلمانان براي پيوند مي نويسد :

مگر در صورتي كه حيات فرد متوقف برپيوند باشد

در سال 1379 مجلس ششم شوراي اسلامي لايحه اجازه پيوند اعضاي بدن فوت شدگان ر ا به تصويب رساند.

خلاصه مطلب:

همانطور كه گفته شد ، بيماراني كه دچار مرگ مغزي مي شوند ، به جهت غير قابل برگشت بودن ضايعه مغزي آن ها ، در واقع مرده اند و با نگهداري تنفس و قلب بيمار با دستگاه هاي مختلف ، صرفاٌ سيستم درماني كشور متحمل هزينه هاي اضافي ميشود و از طرف ديگر خانواده بيمار گرفتار مشكلات عديده و از جمله مسائل روحي مي گردد.

بعيد است كه اگر بيمار قادر به تكلم بود، به ما اجازه مي داد كه چنين وضعيت طاقت فرسائي را براي او ايجاد نماييم .

با تصويب قانون استفاده از اعضاء بيمار مبتلا به مرگ مغزي در محافل قانون گذاري كشور و قانونمند كردن اعمال پيوند ، جامعه پزشكي موظف شد

1- سيستم هاي درماني كشوررا در جهت تشخيص و ثبت بيماران مبتلا به مرگ مغزي ترغيب نمايد ودر اين زمينه مجموعه اي كار آمد و متكي اطلاعات روز را به وجود آورد.

2-اطلاعات مردم را ، در خصوص مرگ مغزي و چگونگي استفاده از اعضا ء بيماران مبتلا به مرگ مغزي افزايش دهد

3- كارتهاي اهدا ء عضو بين مردم توزيع شود و آنها را از اهميت اين عمل مطلع سازد

4 – در نهايت ، انگيزه لازم را در افراد جهت اهداء اعضايشان ايجاد نمايد.

آدرس دفتر رپیوند اعضاء : گلستان – بیمارستان گلستان شماره تلفن :33743044



